

و  
حسین  
علیہ السلام

تقدیم بہ

## اشاره

خداوند متعال، رسول خدا(ص) و اهل بیت(ع) او را برای اهل عالم، به ویژه پیروانشان، به عنوان الگو آفریده است. مسلمانان جهان وظیفه دارند در تمام شئون زندگی اعم از فردی، اجتماعی، سیاسی، اخلاقی و غیره به آنان اقتدا نمایند.

یکی از نکات قابل توجه در سیره پیشوایان معصوم(ع) نحوه رفتار آنان با خانواده است. در این نوشتار مختصر برآنیم تا با مراجعه در منابع تاریخی به گوشه هایی از سیره اخلاقی امام حسین(ع) در خانواده پردازیم؛ هر چند به خاطر طبیعت موضوع و نیز شرایط اجتماعی، حجم شواهد و موارد بر جای مانده در تاریخ، در این خصوص فراوان نیست؛ همین اندک نیز بسیار ارزشمند و گویاست.



### احترام به همسر

احترام به همسر از عواملی است که در تربیت فرزندان، تأثیر فراوانی دارد. مادری که در خانه، عزیز باشد و مورد تکریم شوهرش قرار گیرد، با روحی سرشار از عاطفه و آرامش و احساس شخصیت، فرزندان را تربیت خواهد نمود. به عکس اگر همسر در خانه مورد آزار و اذیت روحی و جسمی قرار گیرد و شخصیتش در خانه و پیش فرزندان تحقیر شود، بدیهی است که از روان سالمی برخوردار نخواهد بود و در نتیجه، آرامش خود را از دست داده و اضطراب و نگرانی او در فرزندان نیز تأثیر خواهد گذاشت .

انسان در دوران زندگی با حوادث و مسائلی روبه رو می شود که او را نگران و متأثر می سازد. فردی که احساس کند از طرف دیگران مورد ستم واقع شده، اگر برای رسیدن به حقّ خود تلاش کند و نتواند به آن برسد، دچار نگرانی خواهد شد. حال اگر برای زن یا شوهر چنین مشکلی پیش آید و با حالت تأثر وارد خانه شود، ممکن است گلایه کرده و از همسر انتظار داشته باشد که در این شرایط به او کمک کند و از او دفاع نماید. و در نتیجه، هرگونه تصوّر کوتاهی را در این رابطه دور از انتظار می داند .

همسر در این حالت های ویژه، باید سعی کند با مهربانی، احترام و دلجویی چنان رفتار کند که از اندوه و تأثر او بکاهد. در چنین شرایطی، سخنان منطقی و محترمانه همسر می تواند اثبات نماید که: من در دفاع از حقّ تو کوتاهی نکرده ام و آنچه مصلحت بوده و توان داشتم انجام داده ام .

حضرت زهرا(س) پس از رحلت رسول مکرّم اسلام(ص) وقتی فدک را به ناحق از او گرفتند، برای دفاع از حقّ خویش و بازگرداندن حقّش، نزد خلیفه وقت رفت؛ اما با ارائه استدلال های منطقی، موفق نشد حقّ خود را بستاند، بنابراین با ناراحتی و تأثر شدید وارد منزل شد و اظهار ناراحتی نمود.

...علی(ع) با لحنی محترمانه همسر مهربانش را دلداری داد و فرمود :

ویل و وای بر تو مباد؛ بلکه وای بر دشمنان تو باد! ای دختر برگزیده خدا و یادگار نبوت، از اندوه و غصه دست بردار. به خدا سوگند! من در انجام وظیفه سستی نکردم و آنچه قدرت و توان داشتیم، انجام دادم. و همواره پشتیبان تو خواهم ماند.

حضرت علی (ع) آن چنان با خونسردی، متانت، دلجویی و احترام در برابر ناراحتی و شکوه حضرت زهرا(س) برخورد می نماید، که حضرت فاطمه (س) آرام می گیرد و می فرماید:

خداوند مرا کفایت می کند. و بدین گونه کار آنها را به خدا وامی گذارد و ساکت می شود. (۱)

علی(ع) همواره مواظب بود که از حزن و اندوه زهرا(س) که بعد از پدر بزرگوارش بسیار زیاد شده بود، بکاهد. زهرا(س) به پدرش، پیامبر(ص) علاقه زیادی داشت. حضرت می فرمود: پیراهن پدرم را به من بدهید. و چون پیراهن را می گرفت، آنقدر آن را می بویید تا بیهوش می شد .

علی(ع) می فرماید: پیامبر(ص) را در پیراهنش غسل دادم و چون وضع زهرا(س) را مشاهده کردم که با بوییدن آن پیراهن بیهوش می شود، آن را پنهان نمودم. (۲)

حضرت علی (ع) درباره چگونگی برخورد با همسرش می فرماید :

به خدا سوگند! هرگز کاری نکردم که فاطمه خشمگین شود و او را به هیچ کاری مجبور نکردم... او نیز هرگز مرا خشمگین نکرد و برخلاف میل باطنی من، قدمی برنداشت. (۳)

در تاریخ می خوانیم: روز عاشورا هنگامی که هلال بن نافع عازم میدان جنگ بود، همسر جوانش از رفتن او ناراحت شده و به شدت می گریست. امام حسین(ع) متوجه آن زوج جوان گردیده و به هلال فرمود :

إِنَّ أهلك لا يطيبُ لها فراقك، فلو رأيت أن تختارِ سُرورَها على البراز(۴) همسرت جدایی تو را نمی پسندد، تو آزادی و می توانی خشنودی او را بر مبارزه با شمشیرها مقدم بداری.

آن امام همام بالاترین حدّ تکریم را نسبت به فرزند و همسر داشت. حتی آنان را مورد عنایت خاصّ خود قرار داد و آنان نیز علاقه وافری نسبت به حضرتش ابراز می داشتند و آنان نیز علاقه وافری نسبت به حضرتش ابراز می داشتند.

مثلاً رباب علاقه وافری به امام حسین(ع) داشت. او در سفر کربلا همراه امام بود و پس از شهادت آن حضرت نیز وفاداریش را به زبان شعر، و نیز در عمل، نشان داد.

دو مرتبه از رباب در دسترس، قرار دارد که هر دو دارای معانی بسیار زیبا بوده و خلوص و ارادت رباب را نسبت به آن حضرت نشان می دهد:

ترجمه آن چنین است: آن پرتوی که دیگران از درخشش آن بهره می بردند، در کربلا کشته شده و غیر مدفون رها شده است.

ای فرزند پیامبر(ص)! خدا از طرف ما تو را پاداش نیکو داده و در وقت میزان تو را از هر زبانی به دور دارد.

تو آن چنان کوه محکمی بوده که من بدان پناه می بردم و تو با رحمت و از سر دینداری با ما همنشینی داشتی. دیگر چه کسی برای یتیمان و فقیران، مانده؟ و چه کسی است که مسکینان بدو پناه برده و او بی نیازشان سازد؟

به خدا قسم! دیگر سایه ای بعد از تو بر سرم نخواهم پذیرفت تا در میان خاک، پنهان شوم. (۵)

رباب در بخشی از این اشعارش ارتباط عمیق خود را با امام حسین (ع) تصویر می کند؛ امام چون کوهی است که پناهگاه آرام بخش رباب بوده و آن حضرت نیز با کمال ملاحظت و از سر دینداری با وی برخورد داشته است .

### توجه به خواستِ همسر

امام حسین (ع) به خواست، علاقه و حسّ زیبایی دوستی همسرش، توجه خاصی می نمود و برخی اوقات به همین خاطر با انتقادات اصحاب و دوستان خود روبه رو می شد؛ ولی به خواستِ طبیعی و مشروع همسر خویش احترام می گذاشت .

جابر از امام باقر (ع) نقل می کند :

عده ای بر امام حسین (ع) وارد شدند؛ ناگاه فرش های گران قیمت و پشتی های فاخر و زیبا را در منزل آن حضرت مشاهده نمودند. عرض کردند: ای فرزند رسول خدا! ما در منزل شما وسایل و چیزهایی مشاهده می کنیم که ناخوشایند ماست (وجود این وسایل در منزل شما را، مناسب نمی دانیم!). حضرت فرمود: *إِنَّا نَتَزَوَّجُ النِّسَاءَ فَنُعْطِيهِنَّ مَهْرَهُنَّ فَيَشْتَرِينَ بِهَا مَا شِئْنَ، لَيْسَ لَنَا فِيهِ شَيْءٌ* (۶) از ازدواج، مهریه زنان را پرداخت می کنیم و آنها هر چه دوست داشتند، برای خود خریداری می کنند. هیچ یک از وسایلی که مشاهده نمودید، از آن ما نیست.

در روایت دیگر نقل شده که از امام صادق (ع) سؤال شد: آیا خرید جواهرات برای زینت بچه ها درست است؟ حضرت فرمود: *علیّ بن الحسین (ع) برای بچه ها و همسرانش زیورات از نوع طلا و نقره تهیه می کرد و آنها را با آن زیورها می آراست.* (۷)

از این روایات و نظایر آن، به خوبی استفاده می شود که امام حسین (ع) و سائر ائمه اطهار (ع) به حسّ زیبایی دوستی همسر خود احترام می گذاشتند و امکانات لازم را در حدّ متعارف آن زمان، برای آنها فراهم می نمودند .

### غیرت و ورزی نسبت به خانواده

یکی از خصلت های پسندیده، غیرت است. غیرت، به معنای آن است که سرشت و طبیعت انسان از این که غیر خودش در یک امر مورد علاقه اش با او مشارکت داشته باشد نفرت داشته باشد (۸)

غیرت در اصطلاح، آن است که کسی نسبت به ناموس خود و همسر یا فرد مورد علاقه اش به حدّی اهتمام ورزد که به دیگری اجازه و تعرض به حریم خویش ندهد. انسان غیور، نمی تواند تحمل کند که دیگران با نگاه های ناپاک یا انگیزه های فاسد، به همسر و بستگان او نزدیک شوند و قصد سوء داشته باشند .

غیرت ورزیدن، خُلُقی ارزشمند و پسندیده است. گاهی هم (غیرت دینی) سبب می شود که انسان از هر نوع سوء قصد و هجوم مخالفان به دین و ارزش های مقدّس و معتقدات دینی برآشوبد و عکس العمل نشان دهد و در دفع تعرض بکوشد. پیامبر اکرم (ص) فرموده است: *الْغَيْرَةُ مِنَ الْإِيمَانِ* (۹) غیرت از ایمان است.

غیرت، نشانه ارزشمندی شخصیت یک انسان محسوب می شود. حضرت علی (ع) فرموده است: ارزش انسان به قدر همت اوست، صدق او به اندازه جوانمردی اوست، شجاعتش به اندازه پاکدامنی اوست و عفت او به قدر غیرت اوست. (۱۰) خداوند نیز بندگان غیرتمند خویش را دوست می دارد. (۱۱)

بنی هاشم، غیرتمندان روزگار خویش بودند و برای عترت پیامبر(ص) حرمتی فوق العاده قائل بودند. جوانان بنی هاشم نیز پیوسته اهل بیت امام حسین(ع) را در طول سفر به کربلا، محافظت می کردند. شبها نیز با حراست این جوانان، به ویژه قمر بنی هاشم، زنان حرم آسوده و بی هراس می خفتند .

غیرت در دریای پهناور وجود اباعبدالله(ع) موج می زد و به همه آموخت که نگهبانان دین و ناموس خود باشند و بیشترین حساسیت را در دفاع و صیانت از آنها داشته باشند. او تا آخرین نفس از عقیده اسلامی خود دفاع کرد و بر محو باطل پافشاری نمود. او که سرآمد غیرتمندان عالم است در رجز حماسی خویش در روز عاشورا از جمله بر حمایت از ذریه پیامبر و خانواده پدرش تأکید می فرمود: اَحْمَى عِيَالَتِ اَبِي، اَمْضَى عَلَي دِينِ النَّبِيِّ (۱۲) آن حضرت، روز عاشورا خانواده و دختران و خواهر خود را توصیه کرد که پس از شهادتش، گریبان ندرند و چهره مخراشند و آه و زاری و واویلا سر ندهند و پیش دشمنان صدایشان را به گریه بلند نکنند. در واپسین لحظات هم که مجروح بر زمین افتاده بود، وقتی شنید که گروهی از سپاه دشمن قصد حمله به خیمه ها و تعرض به زنان و کودکان دارند، بر سرشان فریاد کشید: اِنْ لَمْ يَكُنْ لَكُمْ دِينٌ وَ كُنْتُمْ لَاتَخَافُونَ الْمَعَادَ فَكُونُوا اَحْرَارًا فِي دُنْيَاكُمْ... (۱۳) ای پیروان آل ابوسفیان! اگر دین ندارید و از معاد نمی ترسید، پس در دنیایتان آزاده باشید و اگر عربید، به اصل و تبار خویش برگردید...

شمر جلو آمد و گفت: ای پسر فاطمه چه می گویی؟

امام(ع) فرمود: من با شما می جنگم و شما با من می جنگید، پس تجاوزگران و سرکشان و جاهلان خود را تا وقتی من زنده ام، از حرم من بازدارید. (۱۴)

از غیرت آن امام همام بود که در همان حال هم از کار ناجوانمردانه سپاه دشمن برآشفت و اعتراض کرد و تا زنده بود نتوانست تحمل کند که نامردان به حریم ناموس او نزدیک شوند. غیرت دینی او و یارانش نیز زمینه ساز آن حماسه بزرگ شد.

آن امام همام، کشته شدن را بر ننگ ذلت و تسلیم، ترجیح داد و این از غیرت و حمیت او بود. یاران شهیدش هم شب عاشورا و در فرصت های دیگر تا پای جان ابراز وفاداری کردند و غیرتشان اجازه نداد که امام و اهل بیت او را در صحرا و میان انبوه دشمن رها کنند و خود، در پی زندگی و عافیت خویش روند. عباس، امان نامه دشمن را رد کرد، تیغ ها و شمشیرهای دشمن را بر خواری و مذلت ترجیح داد.

اما فرومایگان، برای کشتن او و به خاطر رضای خاطر والی کوفه و یزید طاغوت، همدست شدند و پس از کشتن عاشورائیان، خانواده آنان را به اسارت بردند.

اعتراض حضرت زینب (س) به یزید در شام، که اهل بیت پیامبر را در معرض دید و تماشای مردم کوچک و بازار قرار داده (۱۵) ریشه در غیرت او داشت.

پیروان عاشورا، هم درس عفاف و حجاب را به عنوان غیرت ناموسی از کربلا می آموزند، هم دفاع از مظلوم و نصرت حق و مبارزه با باطل و بدعت را به عنوان غیرت دینی از حماسه آفرینان کربلا الهام می گیرند.

### رفتار حضرت نسبت به خانواده در لحظه وداع

امام (ع) در واپسین لحظه های زندگی خویش شرایط ناگواری خانواده و فرزندان، غصه یتیمی و از دست دادن نزدیکترین عزیزان از یک طرف، طی مسیر کربلا تا شام و از شام به مدینه، همراهی دشمنان سنگدل، از طرف دیگر را مجسم کرد. در چنین شرایطی آن امام همام شیوه دعوت به صبر و بردباری و توجه دادن به نصرت الهی را برگزید تا با دم حسینی خود رسته آنان را توان دوباره ببخشد و عزمشان را برای دست یابی به همه اهداف، تقویت نمایند. در مقاتل آمده است :

هنگامی که امام (ع) همه یارانش را دید که شهید شده اند، برای وداع به خیمه ها آمد و ندا دادند: ای سکینه، ای فاطمه، ای زینب، ای ام کلثوم، آخرین درود و سلام من بر شما باد. (۱۶)

سکینه صدا زد: ای پدر آیا تن به مرگ داده ای؟

فرمود: کسی که یاور ندارد، چگونه تن به مرگ ندهد .

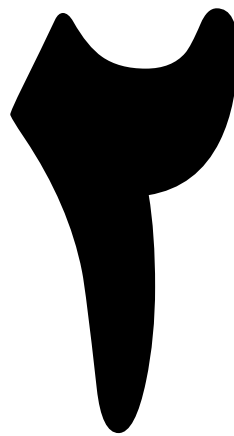
طبق نقل دیگر فرمود: ای نور چشم من! کسی که یار و یآوری ندارد، چگونه تسلیم مرگ نشود، ولی (فرزندم) رحمت و نصرت خداوند در دنیا و آخرت به همراه شما است، دخترم بر قضاء الهی، صبر پیشه کن و زبان به شکوه مگشای، زیرا دنیا محل گذر است، ولی آخرت خانه همیشگی است .

سکینه گفت: ما را به حرم جدّمان (مدینه) بازگردان. امام فرمود: لَوْ تَرَكَ الْقَطَا لَعَفَا وَ نَامَ؛ اگر پرنده قطا را بگذارند، در جایگاه خود آرام می گیرد و استراحت می کند. سکینه گریه کرد، امام حسین (ع) دختر عزیزش را به سینه چسباند و اشکهایش را پاک نمود و اشعاری خواند که ترجمه اش چنین است :

ای سکینه جانم! بدان که بعد از شهادتم، گریه تو بسیار خواهد شد، دل مرا با افسوس، به سرشک خود مسوزان تا جان در بدن دارم، پس وقتی که کشته شدم تو بر هر کس نزدیکتر به بدن من می باشی که کنارم بیائی و گریه کنی، ای برگزیده بانوان. (۱۷)

طبق نقل سوم آن حضرت به فرزندان و خواهران چنین توصیه نمود: خودتان را برای گرفتاری آماده کنید و بدانید خداوند نگهدار و یاور شما است و شما را از شر دشمنان نجات می بخشد و عاقبت امرتان را به خیر خواهد کرد، دشمنانتان را با انواع بلاها عذاب خواهد نمود و به شما، در برابر این گرفتاری، انواع نعمت و کرامت عطاء خواهد کرد. پس زبان به شکوه مگشایید و سخنی مگویید که از منزلت و ارزش شما بکاهد .





## روشهای امام حسین (ع) در تربیت فرزند

تربیت صحیح فرزندان از ضروری ترین وظایف والدین به شمار می آید. انجام دادن این وظیفه مهم، حساس و ظریف بدون تکیه بر دیدگاههای صاحب نظران آگاه و مطمئن ممکن نیست. ما معتقدیم که معصومان (علیهم السلام) در همه ابعاد هدایتی و تربیتی الگوهایی کامل و مطمئن به شمار می آیند و تکیه بر دیدگاهها و رفتارهای تربیتی آنان در مسیر تحقق وظیفه خطیر تربیت فرزندان، بهترین ره توشه است. معصومان (علیهم السلام) همه نور واحد بوده، هدف مشترک داشتند؛ ولی به اقتضای گوناگونی موقعیتها در سیره تربیتی آنان دیدگاهها و رفتارهای تربیتی گوناگون به چشم می خورد. کنار هم نهادن مجموعه دیدگاهها و رفتارهای تربیتی آنان الگویی کامل از نظام تربیتی اسلام عرضه می کند. در میان معصومان (علیهم السلام) امام حسین (ع) از موقعیت ویژه ای برخوردار است و این موقعیت به زندگی و سیره تربیتی آن حضرت برجستگی خاصی بخشیده است.

این بخش حاوی برخی نکات تربیتی است که تا پیش از حادثه کربلا تحقق یافته و به ما رسیده است و بخش دوم نگاهی مستقل به حادثه عظیم کربلا و بیان نکات تربیتی آن. ذکر این نکته مفید می نماید که از بخش پایانی عمر شریف حضرت یعنی زمان تحقق حادثه کربلا نکات تربیتی بیشتری در دسترس داریم. سبب این امر دو چیز می تواند باشد:

نخست آنکه حادثه کربلا به خاطر بی نظیر بودن آن بیش از سایر حوادث مورد توجه سیره نویسان و مورخان واقع گردید و بنابراین، اسناد بیشتری از آن در دسترس است که می توان از لابلای آن نکات تربیتی بیشتری کشف کرد؛

دیگر آنکه در این مقطع از عمر شریف حضرت، فرزندان و اهل بیت او به طور مستقیم همراهش بودند و در نتیجه زمینه بروز نکات تربیتی بیشتری فراهم بوده است؛ و شاید این امر، یکی از اسرار پای فشاری امام بر حضور اهل بیت در کربلا بوده است. از این رو، شایسته است پژوهشگران عرصه تربیت اسلامی فرصت را غنیمت شمرده، حادثه کربلا را با توجهی عمیق تر از منظر تربیت بنگرند و نکات تربیتی سودمندی را از آن استخراج کنند.

### زمینه سازی تربیت

در مکتب اهل بیت (علیهم السلام) نه تنها تربیت فرزندان از لحظه تولد مورد توجه بوده بلکه به زمینه های تربیت و شرایط قبل از تولد و بلکه حتی قبل از انعقاد نطفه نیز توجه خاص شده است. از این رو در روایات معصومان (علیهم السلام) زمینه ها و شرایط مطلوب و نامطلوب انعقاد نطفه بیان گردید. از جمله این نکات پرهیز کردن از همبستری در شبی است که انسان قصد مسافرت دارد. امام حسین (ع) خطاب به اصحابش فرمود:

اجتنبوا الغشیان فی اللیله التی تریدون فیها السفر فان من فعل ذالک ثم رزق ولدا کان احولا

از همبستر شدن با همسرانتان در شبی که قصد مسافرت دارید پرهیز کنید؛ (زیرا) اگر در اثر آن فرزندی روزی شود احوال (لوج) خواهد بود. « (۱۸)

### اظهار محبت به فرزندان

محبت به فرزندان امری درونی است که خداوند آن را در دل والدین به ودیعت نهاده است. اما آنچه در این میان مهم می نمایدو آثار تربیتی در پی دارد ابراز آن است. این امری اختیاری است و والدین و مربیان می توانند در پرتو آن زمینه تربیت صحیح را فراهم آورند. چه بسیارند والدینی که در برابر فرزندان خود محبت فراوان دارند اما آن را ابراز نمی کنند در حالی که محبت وقتی سازنده و تأثیر گذار خواهد بود که فرد مورد محبت از آن آگاهی یابد. امام حسین (ع) به عنوان الگوی تربیتی مطمئن و کامل محبت به فرزندان را از نیازهای ضروری آنان دانسته، در قالبهای گوناگون به ابراز آن می پرداخت. گاه با در آغوش گرفتن و به سینه چسبانیدن خردسالان، زمانی با بوسیدن آنان و گاه با به زبان آوردن کلمات شیرین و محبت آمیز.

عبداللہ بن عتبہ چنین می گوید: «کنت عند الحسین بن علی (علیهما السلام) اذ دخل علی بن الحسین الاصحاح فدعا الحسین (ع) و ضمہ الیه ضما و قبل ما بین عینیہ ثم قال: بابی انت اطیب ریحک و احسن خلقک...» (۱۹)

نزد حسین بن علی (ع) بودم که علی بن حسین (ع) وارد شد. امام حسین (ع)، امام سجاد (ع) را صدا زد، در آغوش گرفت و به سینه چسبانید، میان دو چشمش را بوسید و سپس فرمود: پدرم به فدایت باد، چقدر خوشبو و زیبایی!

### تشویق فرزندان در برابر کار خوب آنان

یکی از شیوه های تربیتی مورد اتفاق صاحب نظران عرصه تعلیم و تربیت، شیوه کارآمد تشویق است. تشویق به جا و متناسب با فعالیت انجام شده، به ایجاد انگیزه در فرد منجر شده، به تکرار و تقویت رفتار می انجامد.

چه بسا فرزندان از ارزش و اعتبار صفات مثبت خود آگاهی نداشته، در نتیجه به شخصیت حقیقی و توانمندیهای مثبت خویش پی نبرده، خود را در مقایسه با دیگران ناچیز به شمار آورند. از این رو والدین و مربیان باید ویژگیهای مثبت فرزندان را کشف و برجسته سازند؛ مورد ستایش و تشویق قرار دهند. در فرهنگ اسلامی که تربیت دینی و اخلاقی فرزندان در کانون توجه است. بر تشویق فرزندان هنگام بروز رفتارهای دینی و برجسته کردن صفات اخلاقی و معنوی آنان بسیار تاکید شده است. امام سجاد(ع) فرمود: من به بیماری شدیدی مبتلا شدم. پدرم بر بالینم آمد و فرمود:

ماشتھی؟ فقلت: اشتھی ان اکون ممن لا اقترح (۲۰) علی الله ربی مایدبره لی، فقال لی: احسنت ضاهیت ابراهیم الخلیل صلوات الله علیه حیث قال جبرئیل(ع): هل من حاجه؟ فقال: لا اقترح علی ربی بل حسبی الله و نعم الوکیل (۲۱)

چه خواسته ای داری؟ عرض کردم: دوست دارم از کسانی باشم که درباره آنچه خداوند برایم تدبیر کرده، نپرسم؟ پدرم در مقابل این جمله به من آفرین گفت و فرمود: تو مانند ابراهیم خلیلی؛ به هنگام گرفتاری جبرئیل نزدش آمد و پرسید: از ما کمک می خواهی؟ او در جواب فرمود: (درباره آنچه پیش آمده) از خداوند سؤال نمی کنم. خداوند مرا کافی است و او بهترین وکیل است.

در این حدیث ملاحظه می شود که امام حسین(ع) در مقابل پاسخ عارفانه و دلنشین فرزندش که براساس ظاهر حدیث، سن و سال چندانی هم نداشت. جمله «احسنت» را به کار برد و او را به ابراهیم خلیل تشبیه کرد.

### اهمیت قدردانی از معلمان و مربیان

در اسلام دانش آموزی مورد اهتمام شدید بوده و رهبران دینی پیروان خود را به آموزش و اندوختن دانش، به ویژه معارف دینی، تشویق کرده اند.

براساس سخنان معصومان(علیهم السلام)، معلمان و مربیان، به خصوص آنان که در تعلیم آموزه های دینی می کوشند، حق بزرگی بر جامعه دارند و باید تلاش صادقانه شان مورد قدردانی و سپاسگزاری قرار گیرد تا رغبت و انگیزه بیشتری بیابند. مرحوم بحرانی در حلیه الابرار از شیخ فخرالدین نجفی که از فضلا و زهاد بود. چنان نقل کرده که شخصی به نام عبدالرحمان در مدینه معلم کودکان بود و یکی از فرزندان امام حسین(ع) به نام جعفر نزدش آموزش می دید. معلم جمله «الحمد لله رب العالمین» را به جعفر تعلیم داد. هنگامی که جعفر این جمله را برای پدر قرائت کرد، حضرت معلم فرزندش را فراخواند و هزار دینار به او هدیه داد. وقتی حضرت به خاطر پاداش زیاد مورد پرسش قرار گرفت، در جواب فرمود:

و انی تساوی عطیتی هذا بتعلیمه الحمد لله رب العالمین.

هدیه من برابر با تعلیم «الحمد لله رب العالمین» است. (۲۲)

### احترام به انتخاب جوان در امر ازدواج

جوانان به سبب کمی تجربه به استفاده از تجارب و نصایح والدین نیازمندند، اما آنان دیگر دوران کودکی و نوجوانی را پشت سر گذاشته و به حدی از رشد رسیده اند که خود حق انتخاب داشته، برای خود تصمیم بگیرند. از این رو، شایسته است والدین در دوران کودکی و نوجوانی زمینه استقلال و قدرت تصمیم گیری آنها را فراهم آورده، آنان را چنان تربیت کنند که سمت انتخابهای معقول و تصمیمهایی منطقی پیش روند و مصالح واقعیشان را بر منافع آنی وزودگذر ترجیح دهند. اگر فرزندان به این حد از رشد

و استقلال رسیدند، باید به آنان اعتماد کرد و به تصمیمها و انتخابهاشان احترام نهاد. جوان در طول زندگی با انتخابهای گوناگون رو به روست و یکی از مهمترین آنها گزینش همسر است. در این مساله، چنانچه فرزند از قدرت انتخاب صحیح و معقول برخوردار است، باید به وی حق انتخاب داد و از ازدواجهای تحمیلی پرهیز کرد. حسن (۲۳)، فرزند امام حسن مجتبی (ع) یکی از دختران امام حسین (ع) را خواستگاری کرد. امام حسین (ع) به او فرمود: «اختر یا بنی اجتهما الیک.» فرزندم! هر کدام را بیشتر دوست داری انتخاب کن.

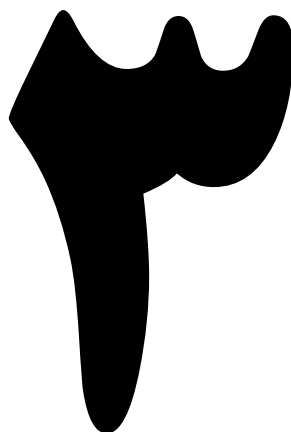
فرزند امام مجتبی (ع) شرم کرد و جوابی نداد. آنگاه امام حسین (ع) پس از مشورت با خانواده و نظر خواهی از دخترانشان فرمود: من دخترم فاطمه را برایت انتخاب کرده ام، زیرا او به مادرم فاطمه دختر رسول خدا (ص) شبیه تر است. (۲۴)

ملاحظه می شود با این که فرزند امام مجتبی (ع) به احترام عمو و دخترانش به طور مشخص از دختر خاصی خواستگاری نکرد و امر را به عمویش وانهاد؛ امام حسین (ع) به انتخاب و علاقه فرزند برادرش اهمیت داد و از او خواست خودش آن را که بیشتر دوست دارد به همسری برگزیند.

### تربیت عملی

بی تردید مؤثرترین عامل در تربیت اخلاقی و دینی فرزندان رفتارهای درست والدین است. پرواضح است که زبان رفتار از زبان گفتار بسی نافذتر است و در عمل آثاری نهفته است که هرگز از گفتار بر نمی آید. کودک و نوجوانی که پیوسته شاهد اعمال نیک والدین است، بطور غیر مستقیم سرمشق می گیرد و به انجام کارهای نیک تشویق می گردد. در سیره تربیتی ائمه اطهار (علیهم السلام) تربیت با رفتار و عمل بارزترین بعد تربیت است. فرزندان ائمه (علیهم السلام) با دیدن رفتار آنان سرمشق گرفته، عمل می کردند. شعیب بن عبدالرحمن خزائی می گوید: هنگامی که امام حسین (ع) در کربلا به شهادت رسید بردوشش نشانه ای وجود داشت. از امام سجاد (ع) درباره آن پرسیدند، امام سجاد (ع) بسیار گریست و فرمود: «این، اثر بارهای غذایی است که پدرم بردوشش حمل می کرد و به خانه های تهیدستان می برد.» (۲۵)

آری، امام سجاد (ع) پیوسته این رفتار را از پدرش مشاهده کرد و سرمشق گرفت و عمل کرد. بدین سبب، امام باقر (ع) فرمود: «پدرم علی بن الحسین (ع) شبها کیسه نان بردوش حمل می کرد و (به مستمندان) صدقه می داد.» (۲۶)



### حادثه کربلا از منظر تربیت فرزندان

حادثه کربلا، جاودانه ترین رویدادی است که زمانه در بستر خودمانند آنرا ندیده است. حادثه ای که آثارش در حصار مرزهای اسلامی محدود نگشته و خورشید فروزانش همه گیتی را تا ابد درخشان گردانید. همه کسانی که پیرامون این حادثه به تامل نشستند، به فراخور شناخت خویش از آن درس گرفته، مبارزان درس مبارزه، آزادگان درس آزادی، شهدا طلبان درس شهادت و مصلحان اجتماعی درس اصلاح گرفته اند.

این واقعه بی نظیر زوایای بی انتهایی دارد که تنها اندکی از آنها شناخته شده و زوایای ناشناخته اش بسی بیش از شناخته شده است. بی گمان با گسترش دانش بشری در حوزه علوم انسانی، امید کشف آنها دور از انتظار نیست، از جمله زوایای این واقعه عظیم تامل از منظر روانشناسی و تربیت است. هدف سیره وسنت ائمه اطهار علیهم السلام قبل از هر چیز، هدایت و تربیت است، زیرا آنان بزرگترین مربیان بشریت اند و باید تفسیر تربیتی از حوادث زندگی آنان ارائه شود.

ذکر این نکته مفید است که، گوناگونی شرایط زمانی ائمه اطهار علیهم السلام باعث گشته تا آنان با وجود آرمان مشترک، در عرصه دعوت و تربیت شیوه های گوناگون داشته باشند. در میان امامان شیعه، امام حسین (ع) شرایط ویژه خود را داشت. بنابراین ضمن آنکه همه زندگی و سیره حضرت سرمشقی کامل، از حیات طیبه، برای پیروانش است سیره تربیتی آن حضرت در حادثه کربلا هم برای کسانی که زندگیشان به شرایط زمانی آن حضرت شباهت بیشتری دارد و می خواهند حسینی باشند، اهمیت بیشتری دارد.

## توجه به نیازهای فرزندان

موجودات عالم برای ادامه حیات نیازهایی دارند که بدون برآوردن آنها ادامه حیات ناممکن و یا همراه با سختی است این احتیاج در غیر انسان به نیازهای مادی و جسمانی محدود است، اما در انسان نیاز امور مادی، روانی و معنوی فراوانی را شامل می شود که تنها در سایه رفع نیاز از همه امور به رشد کامل جسمانی و روانی می رسد. توجه به نیازهای گوناگون از نکات مهم تربیتی است، نیازهایی که در قالبهای زیستی، عاطفی، روانی و معنوی جلوه گرمی شود. در واقعه کربلا نیز با وجود همه مسایل و شیوه ای که امام حسین (ع) در پیش روی خود داشته، از توجه به نیازهای مادی و معنوی فرزندان و همراهان خود غافل نماند.

### الف: نیازهای مادی

نیازهای مادی احتیاج اولیه هر انسان است. و بدون تأمین آن، قادر به ادامه حیات نیست. نیاز به رفع تشنگی از این جمله است که در کربلا به خاطر وضعیت ویژه ای که دشمن برای کاروان کربلا به وجود آورد، به نیازهای حیاتی تبدیل شد و ایشان را به تلاش، برای رفع آن از راههای ممکن، واداشت؛ از اینرو، آنگاه که حضرت عباس (ع) از برادر اجازه مبارزه با دشمن طلبید، حضرت از او خواست برای کودکان آب فراهم نماید و فرمود:

فاطلب لهؤلاء الاطفال قليلا من الماء پس کمی آب برای این کودکان فراهم کن...

این توجه حضرت آنگاه به اوج می رسد که فرزند شیرخواره اش را بر بالای دست می گیرد و از دشمن برایش آب می خواهد. در مقتل ابی مخنف آمده است:

امام حسین (ع) به سوی ام کلثوم آمد و فرمود: خواهر! تو را درباره فرزند شیرخواره ام به نیکی سفارش می کنم، او شیر خواره است و شش ماه بیشتر عمر ندارد. ام کلثوم به برادر جواب داد: سه روز است این طفل آب ننوشیده است.

برایش آبی طلب فرما، حضرت طفل را گرفت و در مقابل دشمن ایستاد و آنگاه فرمود: ای قوم شما برادر و فرزندانم را به شهادت رساندید و جز این طفل باقی نمانده و او از تشنگی دهان را بازمی کند و می بندد، به او جرعه آبی دهید...

### ب: نیازهای عاطفی و روانی

گرچه در طبقه بندی نیازها در روانشناسی، نیازهای زیستی جزء نخستین نیازها به حساب می آید، اما نقش نیازهای عاطفی و روانی نیز با اهمیت و تعیین کننده است. زیرا هر چند نیاز جسمی محسوس و آشکار است و فقدانش جسم را متاثر می گرداند، اما نیازهای روحی و روانی نا محسوس اند و عدم پاسخگویی به آنها روان آدمی را آزرده می سازد. کودکان و نوجوانان به خاطر موقعیت سنی آسیب پذیری در برابر مشکلات نیاز دو چندان به بر آوردن نیازهای عاطفی و روانی دارند، این نیازها، بخصوص در شرایط ویژه، از دست دادن والدین، هنگام بیماری و... چنان شدت می یابد که بی توجهی به آنها حیات روانی و عاطفی کودک را به مخاطره می اندازد.

این شرایط ویژه به کامل ترین شکل در کربلا برای فرزندان امام حسین (ع) جلوه نمود. فرزندان و همراهان آن حضرت در میدان مبارزه، در سخت ترین حالات، امام (ع) را صدا می زدند و در واپسین لحظات، اوج نیاز عاطفی خویش را به نمایش می گذارند. در کربلا بیماری چون علی بن الحسین (ع) حضور دارد که تقدیر الهی بر بقاء وجودش تعلق گرفت. و از دست دادن پدر و امام خویش

را تجربه نمود. این وضعیت خاص قطعاً توجه ویژه ای را می طلبد و اینجا است که آن حضرت به گونه های مناسب به نیاز فرزندان پاسخ می دهد و نسبت به فرزندی که به میدان مبارزه آمده اند به گونه ای، به یگانه فرزندش زین العابدین (ع) به گونه ای دیگر. و در مورد یتیمان و داغدیدگان پس از شهادت خویش به شکلی دیگر سفارش می فرماید.

### رفتار حضرت با فرزندان و نوجوانان در میدان جنگ

آنچه از مقاتل بر می آید این است که حضرت نسبت به فرزندان و برادرزادگانش که به میدان مبارزه می رفتند، رفتارهای گوناگونی داشت. نخست در هنگام رفتن به میدان با در آغوش گرفتن آنان و اظهار علاقه و محبت صحنه های زیبایی از عاطفه و محبت را به نمایش می گذاشت. در مورد «قاسم بن الحسن» آمده است: قاسم در حالی که نوجوانی غیر بالغ بود، سوی خیمه های طرف میدان خارج شد. وقتی امام حسین (ع) نگاهش به قاسم افتاد، او را به آغوش کشید. آن دودست به گردن هم آویختند و چنان گریستند که بیهوش شدند.

در مرحله بعد، وقتی آنان در میدان مبارزه، در مقابل شرایط نابرابر، گرمای شدید و تشنگی قرار گرفتند، آن حضرت آنان را به صبر دعوت کرد و به آنان دلداری داد و اظهار همدردی نمود در مورد «احمد بن حسن» نوشته اند: بعد از آنکه در میدان جنگ شرایط مبارزه توان را از او گرفت، نزد عمویش حسین (ع) آمد و پرسید: عمو (جان) آیا جرعه آبی هست تا جگر خود را با آن خنک کنم و برای مبارزه با دشمنان خدا و رسولش توان بیشتری پیدا کنم؟

امام (ع) فرمود: «یابنی اصبر قليلا حتى تلقى جدك رسول الله (ص)، فيسقيك شربه من الماء لا تظما بعدها ابدا» فرزندانم! کمی صبر کن تا جدت رسول خدا را ملاقات کنی، او چنان شربت آبی به تو بنوشاند که هرگز تشنه نشوی.

در مورد «علی اکبر» نیز آمده است؛ بعد از مبارزه ای بی امان و کشتن تعدادی از دشمنان در حالی که جراحات زیاد بر بدن داشت، عطش بر او بسیار ناگوار آمد. پس نزد پدر آمد و عرض کرد: یا به العطش قد قتلنی و ثقل الحديد قد اجهدنی فهل الی شربه من ماء و سبیل اتقوی بها علی الاعداء؟ فبکی الحسين (ع) و قال یا بنی یغز علی محمد و علی و علی ابیک ان دعوهم فلا یجیبونک و تستغیث بهم فلا یغیثونک...

ای پدر، عطش مرا از پای در آورد و سنگینی اسلحه مرا ناتوان کرد، آیا شربت آبی هست تا با نوشیدن آن، توان بیشتر، با دشمنان مبارزه کنم؟

امام فرمود: فرزندانم بر محمد و علی و پدرت سخت است که آنان را بخوانی و به تو پاسخ ندهند و به یاری بخواهی و آنان فریاد رس تو نباشند. ...

در مرحله سوم، آنگاه که بعد از مبارزه بی امان فرزندان توسط دشمن مجروح گشته و بر زمین افتادند، حضرت به سرعت خود را بر بالینشان رسانید و آنها را در آغوش گرفت. در آن لحظات حساس که فرزندان نیاز بیشتری به تسلی خاطر داشتند، با آنان ابراز همدردی نمود... آنگاه که قاسم بن الحسن بر زمین افتاد و عموی خود را صدا زد، امام حسین (ع) چون باز شکاری خود را بر بالین فرزند برادر رساند و مانند شیر خشمگین بر دشمن حمله نمود. وقتی گردو غبار فرو نشست، دیدند امام (ع) بر بالین قاسم نشسته و به قاسم (ع) که در حال جان دادن بود، فرمود: عز والله علی عمک ان تدعوه فلا یجیبک او یجیبک فلا یعنک او یعنک فلا یغنی عنک بعدا لقوم قتلوک

به خدا سوگند، بر عمومی تو سخت است که او را بخوانی پاسخ ندهد، یا اجابت نماید ولی نتواند کمک کند یا کمک کند اما به توسودی نبخشد. (از رحمت) خداوند دور باد قومی که تو را کشت.

### رفتار حضرت نسبت به فرزند بیمارش زین العابدین (ع)

خواست الهی بر این تعلق گرفت که علی بن الحسین حجت او بعد از امام حسین (ع)، بیمار باشد تا جهاد بر او واجب نشود و همچنان زمین از حجت الهی خالی نگردد و این وضعیت جلوه دیگری از تربیت حسینی را می طلبید. در حالی که شدت مبارزه و مصیبت‌های پیاپی کربلا انسان معمولی را چنان به خود مشغول می کند که همه چیز را فراموش می کند، مربی بزرگ کربلا از مسئولیت بزرگ تربیت غافل نماند و چون فرزند خود را نیازمند توجه و مراقبت دید، بر بالینش آمد و گفتگویی صمیمانه به پرسشهای او در مورد حوادث کربلا پاسخ داد. در منابع تاریخی می خوانیم:

... حضرت به سوی خیمه فرزندش زین العابدین آمد و در حالی که فرزندش بر فرشی از پوستین استراحت می نمود و زینب (س) از او پرستاری می کرد، فرزندش را عیادت نمود، وقتی زین العابدین (ع) نگاهش به پدر افتاد، خواست از بستر بر خیزد. اما از شدت بیماری قادر به برخاستن نبود. از عمه اش زینب (س) خواست که او را کمک کند، زینب خود را تکیه گاه او قرار داد.

امام حسین (ع) از وضعیت بیماری فرزندش سؤال کرد و زین العابدین (ع) حمد و سپاس خداوند را به جا آورد و از پدر پرسید در این روز با این قوم منافق چگونه رفتاری کردی؟

پدر فرمود: فرزندم شیطان بر آنان مستولی گشت و آنان را از یاد خدا غافل کرد..

### سفارش به فرزندان یتیم و بازماندگان

بی شک از تلخترین لحظات برای فرزندان خرد سال، لحظه ی از دست دادن والدین است. چنین وضعیتی بر فرزندان بسیار ناگوار و طاقت فرسا می نماید. در چنین شریطی آنان نیازمند توجه و عاطفه اند، نیازمند محبت و تسلی خاطراند.

فرزندان و بازماندگان کاروان کربلا هم نظاره گر دل خراشترین صحنه ها بوده اند. لذا به توجهی عمیق نیاز داشتند. از این رو امام حسین (ع) با همه گرفتاریهایی که داشت، وضعیت روحی و روانی فرزندان را پس از شهادت خود پیش بینی کرد و در واپسین لحظات، تنها فرزند بازمانده از خود زین العابدین (ع) را به توجه و مراقبت و درک وضعیت روحی آنها سفارش کرد و آنچنان شرایط روانی و روحی آنها را ترسیم کرد و مشاوره های لازم تربیتی را به ایشان ارائه نمود که شخصی آشنا به مسائل روانشناسی و تربیتی را به شگفتی وا می دارد. امام (ع) فرمود: یا ولدی انت اطيّب ذريتي و افضل عترتي و نت خليفتي علي هولاء العيال و الاطفال فانهم غرباء مخذولون قد شملتهم الذله و اليتم و شماته الاعداء و نوائب الزمان، سكتهم اذا صرخوا و آنسهم اذا استوحشوا و سل خواطرهم بلين السلام فانهم مابقي من رجالهم من يستاءنسون به غيرك و لاحد عندهم يشكون اليه حزنهم سواك دعهم يشموك و تشمهم، و يبكوا عليك و تبكي عليهم.

فرزندم تو پاکیزه ترین ذریه و با فضیلت ترین خاندان من هستی، بعد از من تو سر پرست کودکان و اهل بیت هستی، آنان غریب هستند.



خواری و یتیمی و شماتت دشمنان و مصیبت‌های زمان آنها را در برگرفته است. هرگاه ناله و گریه شان بلند شد، آرامشان گردان، درهنگام ترس همراهشان باش، با سخنان نرم تسلی خاطرشان بده. از مردان آنها، جز تو کسی که مایه انس و آرامششان باشد، زنده نمانده است و جز تو کسی را که شنوای شکوه‌ها و درد دل‌هایشان باشد، ندارند.

### پاسخگویی به پرسش‌های فرزندان

فرزندان وقتی دوران نوزادی و کودکی را پشت سر می‌گذارند، بر اثر ارتباط بیشتر با اشیاء پیرامون و برخورد با موقعیت‌های جدید، سئوالاتی در ذهنشان به وجود می‌آید در مقطعی از سن، چنان والدین را سئوال باران می‌کنند که آنها را به ستوه می‌آورند.

کودکان هرچه رشد عقلانی بیشتری می‌یابند، سئوال‌ات جدی تری خواهند داشت، بویژه در دوره نوجوانی و آغاز جوانی، شرایط جدید، تغییر و تحولات، تصمیمات بزرگ در زندگی والدین سئوال‌ات بیشتری را در ذهن آنان ایجاد می‌کند، در چنین وضعیتی بر والدین بصیر و آگاه است که زمینه پرسشگری را برای فرزندانشان فراهم کنند و پای صحبت‌های آنان بنشینند و با صبر و حوصله به پرسش‌های آنان پاسخ مناسب دهند و ابهامات را مرتفع سازند. حادثه کربلا، که موقعیت جدیدی در زندگی امام حسین (ع) محسوب می‌شد، پرسش‌هایی را در ذهن فرزندان و دیگر همراهان حضرت ایجاد کرد و ذهن کنجکاو آنان رابه پرسشگری وا داشت. حسین بن علی (ع) با درک موقعیت آنها، به سئوال‌اتشان پاسخ‌های مناسب و درخور شائنشان می‌داد. به دو نمونه از پاسخگویی حضرت اشاره می‌کنیم:

۱- هنگامی که حضرت به همراه اصحابش، هنگام ظهر در ثعلبیه فرود آمد، خواب کوتاهی بر آن حضرت مستولی شد. پس از اندکی حضرت با چشم‌گریان از خواب بیدار شد. فرزندشان که متوجه این صحنه بود، پرسید: ای پدر! چرا گریه می‌کنی؟ خداوند چشم تو را نگریند.

حضرت فرمود: «فرزندم این لحظه، وقتی است که رویا در آن دروغ نمی‌باشد. من در خواب سواره‌ای را دیدم که کنارم ایستاد و گفت:

ای حسین شما به سرعت حرکت می‌کنید و مرگ به سرعت شما را به بهشت می‌رساند و آگاهی یافتم که مرگ ما فرا رسیده است.

علی پرسید: ای پدر! آیا ما بر حق نیستیم؟

فرمود: «فرزندم به خداوندی که همه بندگان به سوی او برمی‌گردند، ما بر حق هستیم» علی عرض کرد: در این صورت ترسی از مرگ نداریم.

امام فرمود: خداوند بهترین پاداش پدر به فرزند را به تو عطا فرماید.

۲- بعد از آنکه حضرت، در شب عاشورا، حوادث روز عاشورا و شهادت یاران را ترسیم کرد، قاسم بن حسن (ع) در باره شهادت خود پرسید. امام (ع) به او مهربانی کرد و پرسید:

فرزندم مرگ نزد تو چگونه است؟

پاسخ داد: عمو(جان) مرگ نزد من از عسل شیرین تر است.

حضرت بعد از آنکه ظرفیت و توان درک قاسم را نمایان ساخت و پاسخ زیبایی او را شنید، فرمود: عموبیت به فدایت گردد! به خدا قسم! تو از کسانی هستی که بعد از آزمایش بزرگ به همراه من شهید می شوی.

### نقش آزادی و انتخاب در تربیت فرزندان

خداوند انسان را آزاد آفرید و قدرت اراده و انتخاب به او بخشید تا پرتو آن از میان راههای مختلف مسیر صحیح را برگزیند.

آنچه انسان در پرتو شناخت و بدون اکراه و اجبار برگزید، در راه تحقق و دستیابی به آن تا پای جان می ایستد، عنصر آزادی به جا و انتخاب درست در تربیت، عنصری گرانبها و کار آمد است، در تربیت فرزندان اجبار ثمری نمی بخشد، والدین و مربیان باید چنان زمینه را آماده کنند که فرزندان خود راه صحیح را برگزینند تا بر آنچه به حق برگزیده اند، پایبند و استوار باشند، از جلوه های تربیتی حادثه عاشورا، صحنه آزادی و انتخاب راه بود. امام حسین(ع) با اینکه در کربلا به شدت نیازمند داشتن یاور بودند، باکمال صداقت و راستی فرزندان و دیگر یاوران خود را در ادامه مسیر آزاد می گذارد و با اینکه بر فرزندان خود حق بزرگ دارد اما هیچگاه راه مبارزه و همراهی خود را بر آنان تحمیل نمی کند و از اینروست که می بینیم آنان نیز که آگاهانه همراهی پدر و امام خویش را برگزیدند در راهش تا آخرین نفس ایستاده و جان خویش را فدای راهش نموده اند. ابی حمزه ثمالی از علی بن الحسین(ع) نقل می کند که در شب عاشورا پدرم اهل و فرزندان خود و اصحاب را جمع نمودند و خطاب به آنان فرمود: ای اهل و فرزندان و ای شیعیان من، از فرصت شب استفاده کنید و جانهای خود را نجات دهید... شما در بیعتی که با من بسته اید آزاد هستید.

نیز آن حضرت هنگامی که عبدالله فرزند مسلم نزد ایشان آمد و اجازه میدان طلبید فرمود: شما در بیعت با من آزاد هستی، شهادت پدرت کافی است. تو دست مادرت را بگیر و از این معرکه خارج شو عبد الله عرض کرد: بخدا سوگند من از کسانی نیستم که دنیا را بر آخرت مقدم دارم.

## پی نوشت ها:

- ۱- احتجاج، طبرسی، ج ۱، ص ۱۸۱ و ۲۸۲.
- ۲- بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۱۵۷، ح ۶.
- ۳- کشف الغمّہ، ج ۱، ص ۳۶۳.
- ۴- کلمات الامام الحسین (ع)، ص ۴۴۷، فرهنگ سخنان امام حسین (ع)، حدیث ۸.
- ۵- اعیان الشیعہ، ج ۶، ص ۴۴۹؛ اعلام النسا المومنات، ص 347؛ منتهی الامال، ج ۱، ص ۳۳۵.
- ۶- الکافی، ج ۶، ص ۴۷۶.
- ۷- کافی، ج ۶، ص ۴۷۵، ح ۱.
- ۸- مجمع البحرين، ج ۲، ص ۲۴۶.
- ۹- من لایحضره الفقیہ، ج ۳، ص ۴۴۴.
- ۱۰- و عفته علی قدر غیرتہ. (نہج البلاغہ، صبحی صالح، حکمت ۴۷)
- ۱۱- إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ مِنْ عِبَادِهِ الْغَيُّورَ. (میزان الحکمہ، ج ۷، ص ۳۵۷)
- ۱۲- بحار الانوار، ج ۴۵، ص ۴۹.
- ۱۳- همان، ص ۵۱.
- ۱۴- فَأَمْنَعُوا غُتَاتِكُمْ عَنِ التَّعَرُّضِ لِخَرْمِي مَا دُمْتُ حَيًّا. (بحار الانوار، ج ۴۵، ص ۵۱)
- ۱۵- حیاة الامام الحسین، ج ۳، ص ۳۷۸.
- ۱۶- معالی السبطين، ج ۱، ص ۲۲ و ۲۳ تذکرہ الشهداء، ص ۳۰۷.
- ۱۷- ترجمہ نفس المهموم، ص ۱۸۴؛ معالی السبطين، ج ۲، ص ۲۵.
- ۱۸- موسوعہ کلمات الامام الحسین (ع)، ص ۷۱۱.
- ۱۹- بحار الانوار، ج ؟

- ۲۰- اقترحت عليه شيئا: سالتہ اياه من غير رويۃ و منه الحديث ان رسول الله(ص) لا يقترح على ربه في شيء يامر به ، مجمع البحرين، طريحي، ج ۲، ص ۴۰۴
- ۲۱- بحار الانوار، ج ۴۶، ص ۶۷، ح ۳۴.
- ۲۲- حلیۃ الابرار، سيد هاشم بحرانی، ج ۱، ص ۵۸۲.
- ۲۳- در کتب سیره و تاریخ ائمه(ع) از حسن به عنوان یکی از فرزندان امام مجتبی(ع) یاد شده، شیخ مفید در الارشاد از او چنین یاد می کند: « و اما حسن بن احلسن فکان جلیلا، رئیساً، فاضلا، ورعا...»(الارشاد، ص ۱۹۶، مناقب آل ابی طالب، ج ۳، ص ۱۹۲، بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۱۶۳، عوالم، ج ۲، ص ۳۰۶).
- ۲۴- موسوعۃ کلمات الامام الحسین(ع)، ص ۶۳۲.
- ۲۵- حلیۃ الابرار، ج ۱، ص ۵۸۲.
- ۲۶- مناقب آل ابی طالب، ابن شهر آشوب، ج ۴، ص ۱۵۳.

السَّالِمُ عَلَى الْحُسَيْنِ  
وَعَلَى عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ  
وَعَلَى وَالِدِ الْحُسَيْنِ  
وَعَلَى اصْحَابِ الْحُسَيْنِ